در لغة عرب صراط و سبیل و طریق و سرب و شعب مطلق راه را گویند و نهج و منهاج و مرصد و مرصاد و شارع و جاده و لقم و محجه راه پیدا
و روشن را، و ازین جمله اینجا لفظ صراط واقع شده و امام فخرالدین در تفسیر فاتحه کبیر آورده که اختیار لفظ برای آنست تا مذکر
باشد از صراط قیامت چه آن راه بصراط شهرت یافته ای صراط دو است یکی جسمانی در جهان روحانی و آن صراط عقبی است دیگری
روحانی در عالم جسمانی و آن صراط دینی است صراط آن جهان بروجهی که در اخبار آمده راهیست بر بالای دوزخ از موی باریکتر و از
شمشیر تیزتر و مرور خلایق بر او بانواع مختلف خواهد بود برخی چون برق خاطف گذرند و جمعی چون باد عاصف گروهی چون
اسبان دونده و طایفه چون پیادگان رونده و زمره افتان و خیزان فرقه مانده اند حیران اما صراط این جهان شرایع و سنن
پیغمبران بوده در هر زمان و حالا شریعت کامله حضرت سید رسل است صلعم چنانچه آنحضرت فرموده که خداوند تعالی مثل زده است
راه راست و بر دو طرف پرده ها فرو گذاشته و بر سر راهی خواننده ایستاده میگوید در آیند براه و کج مروید پس فرمود که آن راه
مستقیم دین اسلامست و پرده ها محارم الله تعالی در دو جانب صراط و آن داعی که روندگان را از آنچه نمی باید منع کند قرآن مجید ای عزیز چون دانستی
که شریعت صراط این عالمست بدانکه این صراط نیز مشابه بصراط آن جهان دقیق تر است از موی و بران تر از شمشیر دوری وقت
او قیام بدقایق امور شریعت و تجاوز نا نمودن از اوضاع و سنن صاحب شریعت بمقدار جهد و طاقت و حد تیزی آن حفظ
مستقیم که میان غلو و تقصیر و افراط و تفریط و تعطیل و تشبیه و جبر و قدر است چنانچه فرمود که الیمین والشمال مضلة والطریق
هی الوسطی و روندگان این صراط را نیز تفاوت بسیار است جمعی بقدم یقین درین راه چون برق تیز میگذرند و جمعی بگام
کاهل سر طرف میلغزند و فرو میشوند و یقین باید دانست که هر که بر صراط شریعت استقامت ندارد بر صراط قیامت نیز مستقیم
نمی ماند و میل انحراف از آن صراط موجب افتادنست در زندان جحیم و مبتلی شدن بعذاب الیم پس چون بنده بخواهد صراط
فاتحه از گذشتن بر صراط خاتمه یاد آرد هر آینه توجه او بطاعت بیشتر گردد و نفرتش از معصیت زیاده شود و بقدم استقامت
این صراط را بپیماید تا از مذلت قدم بر صراط ایمن ماند هر که امروز درین راه گامی بشرط ننهاده باشد فردا آن راه را بدیده او باریک
و تاریک خواهد نمود و اگر اینجا بقدم متابعت شارع شریعت راه می پیماید آنجا گذشتن صراط بر او آسان خواهد بود: بیت میوه
خواهد چید آنجا هر که اینجا دانه کشت ؛ مزد خواهد یافت آنجا هر که اینجا کار کرد ؛ نیک بخت از سعی فرمودن مهم آرایش کرد
غافل از بدبختی کار خود دشوار کرد ؛ محققان در باب صراط سخنی میفرمایند و از روی اشارت بدین عبارت باز می نمایند
که صراط تعین نپذیرد و الا میان بدایتی و نهایتی و عارف داند که بدایة همه از کیست و نهایت همه بکیست و الیه المصیر صاحب اعجاز
البیان فرموده که احاطه حق بهمه اشیا ثابتست وَاللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ و آن احاطه وجودی یا علمی باختلاف اقوال
منتهی بر صراط و غایت هر سالک خواهد بود چنانچه فرمود صِرَاطِ اللهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللهِ
تَصِيرُ الْأُمُورُ بیت هر جا قدمی زدیم در کوی تو بود ؛ هر گوشه که رفتیم هیاهوی تو بود ؛ گفتیم مگر سوی دگر راهی هست
هر راه که دیدیم همه سوی تو بود ؛ مثل مستقیم را از استقامة گرفته اند و استقامة در لغه راست شدنست و راست ایستادن

پس

پس معنی مستقیم راست شده و راست ایستاده باشد علم الهدی رحمة الله فرموده که معنی مستقیم آنست که قایم باشد یعنی ثابت
برهان و حجت بر وجهی که نه کید مکاران او را زایل کند و نه عذر شکاکان او را در هم شکند و در تیسیر مستقیم را بروشن تفسیر میکند
و میگوید که این لغة رومست پس مفهوم صراط مستقیم راهی روشن باشد و بعضی مستقیم را بمعنی حق داشته اند پس صراط مستقیم راهی باشد حق
و گفته اند که مستقیم راهیست که سالک خود را به بهشت رساند و در مفاتیح الغیب آورده که اهل هندسه گویند خط مستقیم اقصر خطیست که واقع شود
میان دو نقطه پس صراط مستقیم اقرب راهی بود که برساند بمقصود و گوئی لطف الهی بنده را تلقین میکند از من راه مستقیم طلب کن که نزدیکتر
تراست یعنی بحکم خلق الانسان ضعیفا ضعف بشریه لازمه است و ضعیف را راه دراز رفتن دشوار باشد پس من راهی کوتاه میطلبم که
تا زود بمنزل رسی امتان پیشین را راههای دور و دراز در پیش نهاده بودند و این امت را ببرکت هدایت کامله محمدی و لایت
شامله احمدی طریق اقرب دادند تا هنوز سایران طرق به بیابان حیرت اینان بمنزل رسیده اند که نَحْنُ الْآخِرُونَ السَّابِقُونَ
بیت گر نکند لطف تو راهی پدید ؛ زود بمنزل نتوان رسید ؛ علما وصف صراط المستقیم بر دو وجه آورده اند یکی آنکه
راه خود مستقیمست کجی ندارد و راستی او ببرهان قاطع ثابتست و دوری او از اعوجاج ثابت دایم راهیست از آنچه بصفت
راستی پیراسته از تهمت کجی و کاستی و دوم آنکه سالک او مستقیم است و در روش خود معوج نیست و این از قبیل اسناد
مجازی باشد چون نهر جاری قال تعالی وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا روز را بینا گفته و دیگران در او بینا اند پس صراط مستقیم خوانند یعنی سالکان
او راه روند با استقامة متصف اند و روش استقامت درجه عالیست هر کرا قدم مترسخ نباشد همه بخشش ضایع است
در منازل السایرین آورده که استقامت روحیست که احوال بدو زنده مانند و اعمال عوام بدو زیاده شود و او برزخ است
میان پستیها و تفرقه و بلندیها جمع و اهل تحقیق متفق اند بر آنکه خصلتی که محاسن طریقت بدو کمال یابد استقامتست و مستقیم را
شش علامتست اول آنکه با احکام معامله با خداوند خود تقصیر نکند دوم در وقت مجاهده کاهلی نورزد سیوم از زمان غفلت
نفس هیچ چیزش مانع نبود چهارم هیچکس از طاعت و عبادات راه او نزنند پنجم هر نیکوئی که حق تعالی کند بادی اگرچه اندک
بود آنرا بزرگ داند ششم او مسلمانان بدهد و از ایشان داد نخواهد در نفحات الانس از محمد بن الفضل نقل میفرماید که آنچه
که به بود همه نیکوئی ها نیکو شود و به نبود همه زشتیها زشت شود استقامتست الکرامة تنال بالاستقامة بیت
محقق بجز استقامت نخواست ؛ که بی استقامت نشد کار راست ؛ ره استقامت روای بوالهوس ؛ که این
ره رو مستقیمست و بس ؛ صاحب حقایق التاویل میفرماید که مراد ازین استقامة طلب تمکین است در توحید ذات
و خلاص ایشان از تلوین در مراتب توحید حقیقت آنست که استقامة جز در توحید ذات نیست که رتبه نهایه او راست
و مرجع همه بدوست إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ بیت سوی او در که نیست او را سوی ؛ همه را رو بدوست از همه روی ؛ در تفسیر
از سید الطایفه قدس سره نقل میکند که طالب استقامة باش نه جوینده کرامت چه خدای تبارک و تعالی استقامة میطلبد
فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ و نفس کرامت میجوید و استقامة هم بصورت باید هم بمعنی استقامت ظاهره رعایة حدود شرعیه است

Copyright © King Saud University